

رمزگشای کوچک پزشکی

واژه های پزشکی به زبان روشن

VesalBookshop.com

فرانسه – فارسی

مترجم: پروین اسدی

ویراستار علمی: دکتر محمد زیار

سرشناسه	میلیه-لاکروئا، دنی
عنوان و نام پدیدآور	Milliès-Lacroix, Denis
مشخصات نشر	رمزگشای کوچک پزشکی: واژه‌های پزشکی به زبان روشن فرانسه - فارسی/ [دنی‌میلیه - لاکروئا]؛ [ویراستار: سیباستین پتوئل]؛ مترجم پروین اسدی؛ ویراستار علمی محمد زیار.
مشخصات ظاهری	تهران: کتابسرای وصال، ۱۳۹۷.
شابک	۳۸۲ص: جدول .
وضعیت فهرست نویسی	۲۵۰۰۰۰ ریل: 9786009987665
یادداشت	فیا
یادداشت	Le petit décodeur de la médecine : Les mots de la médecine en clair
یادداشت	عنوان اصلی: واژه نامه
موضوع	پزشکی -- واژه نامه ها -- فرانسه
موضوع	Medicine -- Dictionaries -- French
موضوع	پزشکی -- واژه نامه ها -- فارسی
موضوع	Medicine -- Dictionaries -- Persian
شناسه افزوده	پتوئل، سیباستین، ویراستار
شناسه افزوده	Pettoello, Sébastien
شناسه افزوده	اسدی، پروین، ۱۳۴۲ - ، مترجم
شناسه افزوده	زیار، محمد، ۱۳۴۵ - ، ویراستار
شناسه افزوده	Ziar, Muhammad
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ر۸ الف/۵۱۲۵ R
رده بندی دیویی	۶۱۰/۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۲۶۱۵۲۰



VesalBookshop.com

عنوان: رمزگشای کوچک پزشکی: واژه‌های پزشکی به زبان روشن - فرانسه - فارسی

عنوان به زبان اصلی: Le petit décodeur de la médecine : Les mots de la médecine en clair

مترجم: پروین اسدی

ویراستار علمی: دکتر محمد زیار

قطع کتاب: پاتویی

ناشر: کتابسرای وصال

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۷۶-۶-۵

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است»

مرکز پخش: فروشگاه انتشارات کتابسرای وصال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، پلاک ۱۹

خرید آنلاین VesalPub.com

شماره های تماس: ۶۶۹۶۸۲۲۳-۶۶۹۵۴۶۴۸

Le petit décodeur de la médecine

Les mots de la médecine en clair

VesalBookshop.com

FRANÇAIS - PERSAN

Traduction: Parvin Asadi

Éditeur scientifique:
Dr. Mohammad Ziar

VesalBookshop.com

«مقدمه»

باید خیلی مطلع باشید آنها به زبان لاتین به شما می‌گویند: "دختر شما بیمار است."

(مولیر، عشق پزشکی، پرده دوم؛ صحنه ۱)

زبان پزشکی همیشه رمز آلود بوده و مولیر در زمان خود آن را به استهزاء می‌گرفته است. با پیشرفت‌های چشمگیر علوم و فنون، زبان پزشکی غنی‌تر شده ولی همچنان برای غیرمتخصصان غیرقابل فهم مانده است.

قانون مصوب سال ۲۰۰۲ موسوم به قانون "کوشنر" به همه اشخاص امکان دسترسی اطلاعات در مورد سلامتی خود را می‌دهد. اطلاعاتی که در اختیار متخصصین و بنیادهای سلامتی قرار دارد. این اشخاص و مؤسسات در پیشبرد تشخیص و درمان بیماری یا پیشگیری از آن به ویژه در مورد نتایج معاینات، گزارشهای مشاوره یا بستری کردن بیماران، دستورالعمل‌ها و قوانین درمانی اعمال شده، گزارشات مراقبات و مکاتبات بین متخصصین امر سلامت مشارکت داشته اند.

هدف این قانون ایجاد تعادل میان پزشکان و بیماران است. اما چگونه اسناد بدست آمده را رمزگشایی می‌کنیم؟ چگونه باید اصطلاحات فنی و عبارات پیچیده در زبان تخصصی پزشکی را درک کرد.

آیا هنگامی که نتایج منفی را به شما اعلام می‌کنم باید نگران شوید؟ هنگامی که تزریق موضعی دردناک درنظر گرفته شده آیا چه انتظاری باید داشت؟ این که هرگز سراغ توتون نرفته ایم و گفته شود که پیپ می‌کشیم به چه معناست؟ رمزگشایی کوچک به شما کمک می‌کند:

◀ ۴۰۰۰ کلمه و اصطلاح بسیار کاربردی در گزارشهای آزمایشگاهی، رادیولوژی و در بستری کردن به زبان روشن و قابل فهم برای همه تعریف شده اند. بیماریها علائم و نشانگان آنها، اندام‌ها و قسمت‌های بدن انسان، اعمال جراحی اصلی و واحدهای اندازه گیری و غیره.

◀ بیش از ۳۰۰۰ خلاصه و گزارش به زبان امروزی ترجمه شده.

➤ معنی بیش از ۱۲۰ مخفف توضیح داده شده.

➤ به نکته‌های کاربردی بعضی اصطلاحات (شفاهی، نوشتاری و رسمی) اشاره شده است.

VesalBookshop.com

décours

دوره زمانی معالجه یک بیماری

مثال: او در دوره درمان کم خونی اش رنگ پوستش به حالت اولیه بازگشت.

معنی: او رنگ پوستش را دوباره در طول دوره ای که کم خونی اش کاهش پیدا کرد؛ به دست آورد.

برخی از پزشکان به اشتباه au decours de را
به جای au cours de
به کار می‌برند.

décelable

قابل مشاهده، آنچه که می‌توان دید یا مشاهده کرد.

مثال: شکستگی قابل مشاهده ای وجود ندارد.

معنی: شکستگی وجود ندارد.

پزشکان اغلب این کلمه را در جملات منفی به کار می‌برند.

این به آنها امکان نشان دادن این که آنها تحقیق خوبی روی
نشانه‌های احتمالی اصلی داشته اند را می‌دهد.

نکاتی درباره شیوه کاربرد واژه یا
اصطلاحات پزشکی

مترادف کلمات و اصطلاحات فنی
یا نادر

décubitus

وضعیت خواب

décubitus dorsal

وضعیت خواب روی پشت

décubitus ventral

وضعیت خواب روی شکم

décubitus latéral, droit ou gauche

وضعیت خواب به پهلو راست یا چپ

Déglobulisation

کاهش تعداد گویچه‌های قرمز

توضیحات ساده و کامل
اصطلاحات فنی

سریع و عموماً به علت یک خونریزی
شدید ایجاد می‌شود. پدیده ای متفاوت با کم خونی
که به طور تدریجی ایجاد می‌شود است

مثالهای کاربردی ترجمه شده به
زبان روشن

مثال: اهمیت کاهش گویچه‌های قرمز نشان‌دهنده
یک خونریزی شدید است.
معنی: کاهش تعداد گویچه‌های قرمز بسیار مهم است
که در اثر خونریزی شدید ایجاد می‌شود.

■ و در زمینه کاربردی

- ◀ یادآوری واکسن‌های اصلی، توصیه‌ها و طول دوره اثر واکسن‌ها
- ◀ تابلوی اجمالی معاینات و اندام‌ها و قسمت‌های مربوطه بدن
- ◀ شماره تلفن‌ها و آدرس‌های مفید
- ◀ اقداماتی که باید برای به دست آوردن پرونده پزشکی خود انجام داد

■ مخاطب رمزگشای کوچک کیست؟

- ◀ تمام کسانی که باید روزی درباره سلامت خود باخبر شوند و از نتایج بررسی‌های پزشکی و راههای درمانی احتمالی اطلاعاتی کسب کنند.
- ◀ تمام کسانی که همراه بیماران در بخشهای بیمارستانی هستند (انجمن‌ها، کارکنان تأمین اجتماعی و غیره)

◀ و بالاخره تمام کارشناسان پزشکی و پیراپزشکی که می‌خواهند آزادانه به طور روشن با بیماران خود ارتباط برقرار کنند.

تحول بسیار سریع فنون با آفرینش تعداد بسیاری اصطلاحات اغلب انگلیسی توأم بوده است که گاه باعث مشکل درک و فهم می‌شوند. دولت فرانسه در سال ۱۹۶۶ یک کمیسیون عمومی و کمیسیون‌های تخصصی واژه‌گزینی به منظور پیشنهاد اصطلاحات و واژه‌های فرانسوی مرجع به وجود آورد.

کمیسیون واژه‌گزینی در زمینه سلامت و در زمینه اجتماعی مراقبت ویژه ای را با نظارت بر ظهور اصطلاحات در مطبوعات عمومی به کار بست. این کمیسیون حدود ۳۰ اصطلاح را که توضیح آنها در مجله رسمی منتشر شد تأیید کرد. این کمیسیون همچنین توصیه نامه‌های بسیاری در زمینه کاربرد اصطلاحات واژه‌ها و اختصارات به ویژه پزشکی را نگاشت. رمزگشای کوچک پزشکی از همه این کارها استفاده کرده است.

از جناب پروفسور «آلن لوژی» ریاست کمیسیون واژه‌گزینی حوزه سلامت و حوزه اجتماعی، جناب آقای «دیدیه» کارشناس ارشد واژه‌گزینی در زمینه سلامت و همچنین همه اعضای کمیسیون به خاطر راهنمایی‌ها و حمایت شان سپاسگزارم.

دکتر دنیس میلیه لکروا

امروزه در زمینه اطلاعات پزشکی شامل تحول عظیمی هستیم. در واقع برای اکثریت شهروندان، اینترنت تبدیل به ابزار خارق العاده‌ای در شناخت بیماریها شده است. در حقیقت دسترسی به اطلاعات پزشکی با کیفیت حق بیمار است. این به آن معناست که هر کس باید ابزار لازم برای درک درست از اطلاعات داده شده توسط پزشک را در اختیار داشته باشد.

امیدوارم که همه شهروندان ما به ابزار لازم برای رفتار مسئولانه در برابر سلامت خود و به طور کلی در برابر نظام درمانی خود دسترسی داشته باشند.

رمزگشای کوچک پزشکی امکان پاسخگویی به این انتظار دوگانه را فراهم آورده است. به کمک توضیحات روشن، دقیق و گویا این فرهنگ به هر کدام از ما اطلاعات مفیدی را برای درک توضیحات پزشکی می‌دهد.

مایلم اثر چشمگیر دکتر «میلیه لکروا» را همچنین اثر پروفیسور «الن لوژی» رئیس کمیسیون سلامت و امور اجتماعی هیئت عمومی زبان فرانسه و زبانهای کشور فرانسه ارج نهم. با این اثر آموزنده آنها به فرانسویان امکان داده اند بهتر از وضع سلامت خود که ارزشمند ترین دارایی آنهاست آگاه شوند.

زاویه برتراند - وزیر بهداشت و تأمین اجتماعی

از قدیم الایام پزشکان ناگزیر بوده اند با بیماران خود در خصوص سلامت آنها با زبانی ساده صحبت کنند. توضیح بعضی کلمات در مورد بدن، بیماری یا یک معاینه دشوار است. در عین حال که می‌تواند تأثیرات خطرناکی بر زندگی شخصی و اجتماعی افراد مورد نظر بگذارند. نقش این رمزگشای کوچک پزشکی کمک به درک آنهاست. استفاده کنندگان این اثر خیل بهره برداران از نظام سلامت هستند. من برای آفرینندگان این لغتنامه آرزوی موفقیت و توفیق می‌کنم.

پروفیسور «آلن لوژی» - رئیس کمیسیون واژه‌گزینی سلامت و تأمین اجتماعی

رمزگشای کوچک پزشکی که مؤسسه فرهنگهای "روبر" آن را در نظر گرفته به انتظار مشروع مردم فرانسه پاسخ می‌دهد. فهمیدن کلمات فنی مورد استفاده متخصصان یک نیاز واقعی است. کمیته راهبردی آسان سازی زبان اداری که مخفف (COSLA) برای برآوردن این نیاز در تمام عرصه‌های زبان رسمی از سال ۲۰۰۱ سال تأسیس آن فعالیت می‌کند. فرهنگهای "روبر" همیشه در این پنج سال اخیر همراه کارآمدی بودند هم به خاطر تألیف این رمزگشای کوچک که در آن علمای لغت شناسی فرصت تازه ای برای ارائه دستاوردهای خود یافته اند؛ به خود می‌بالم.

اطمینان دارم که این اثر خدمات ارزشمندی به همهٔ فرانسویان خواهد داد. و امیدوارم آنچنان که شایسته است مورد استقبال واقع شود. به نام COSLA برای این اثر آرزوی موفقیت می‌کنم.

ژان کلود بورکوئین - نایب رئیس کمیته راهبردی

اتحادیه ملی صندوق‌های بیمه درمانی که بیشتر با نام تأمین اجتماعی شناخته شده اند و بیمه گر اجباری اکثریت قریب به اتفاق شهروندان ما در گروه‌های اصلی (حقوق بگیران، مشاغل کشاورزی و مشاغل آزاد) بسیار از تولد رمزگشای کوچک پزشکی خرسند است. مدخل این اثر در درک بهتر از نظام سلامت و خدماتی که در آن ارائه می‌شود مؤثر است. بهتر اطلاع دادن، بهتر فهمیدن، بهتر عمل کردن برای مراقبت‌های با کیفیت مداخله بیمه درمانی همین منطق را دنبال می‌کنند که همانا همراهی بیمه شده یا بیمار در شئون مختلف است. برای این اثر موفقیت آرزو می‌کنیم و امیدواریم که هر یک از ما را در خدمات رسانی بهتر پزشکی یاری کند.

میشل رژه رو - رئیس شورای اتحادیه ملی صندوق‌های بیمه درمانی

A

abcès

دمل

توده‌ای از چرک زیر پوست یا داخل عضوی از بدن
تغییر عادی عفونت‌های موضعی که خوب درمان نشده باشند.

abdomen

شکم

▪ abdomen sans préparation:

شکم بدون آمادگی

عکسبرداری از شکم به روشی که بدون انجام تنقیه، تزریق و بلع یک ماده توسط بیمار انجام می‌شود.

یک معاینه ساده، سریع و ارزان است که امکان دیدن موارد مهمی مثل وجود هوا، مایع یا سنگریزه‌های کوچک را در شکم می‌دهد.
پزشکان اغلب مخفف "Asp" را به کار می‌برند.

abdominal, e, aux

شکمی

▪ douleur abdominale:

درد شکمی

abdomino-

شکمی

کلمه اختصاری شکمی که در کلمات ترکیبی یافت می‌شود.

▪ étage abdomino-pelvien:

سطح شکمی لگنی

قسمتی از بدن که شامل شکم و قسمت تحتانی آن می‌شود.

abduction

دوری اعضا از خط متوسط بدن

عمل فاصله دادن دست‌ها و پاها نسبت به خط وسط بدن

معاینه‌ای برای ارزیابی مفاصل است که اگر پزشک دست‌ها و پاها را از بدن دور کند این کار غیرفعال است و اگر خود بیمار این کار را انجام دهد فعال است. پزشک سعی می‌کند بیمار را وادار به این کار بکند. این معاینات به پزشک امکان برآورد مشکلات احتمالی را می‌دهد.

ablation

قطع

عمل جراحی که عبارتست از برداشتن یک عضو، یک غده یا قسمتی که قرار است جراحی شود.

پزشکان از این کلمه برای کلمات ترکیبی با «-اکتومی» نیز به کار می‌برند. (به طور مثال پروستاتکتومی یعنی برداشتن پروستات)

abord

برخورد

۱- قسمتی از بدن که جراحی را از آنجا شروع می‌کنیم.

مثال: شروع عمل جراحی از وریدی در سطح قوزک پا

۲- شروع یک درمان

■ **abord psychothérapique:**

شروع روان درمانی

شروع یک درمان به وسیله روان درمانی

aboulie

ناتوانی، بی میلی

ناتوانی و بی میلی در انجام دادن کاری

علامت مهم بیماری‌هایی مثل افسردگی روحی است، که خود بیمار از تصمیم‌گیری و اقدام حتی برای کارهای ساده ناتوان است.

aboulie

ناتوان، بی میل

بیماری که در اثر افسردگی نه میل و نه توان انجام دادن کاری را دارد.

abrasion

پاکسازی، سائیدگی

۱- تکنیکی از جراحی برای برداشتن قسمت‌های زائد.

۲- پدیده طبیعی فرسایش مفاصل که اگر به سرعت اتفاق بیفتد غیرعادی است.
مثال: سائیدگی تقریباً کامل کشکک زانو مشاهده می‌شود.

absence

فقدان، نبود، پریشان فکری

۱- نبود

مثال: پزشک فقدان عفونت ریه را مشاهده می‌کند.

اصولاً پزشکان در گزارشات خود نه تنها مشکلات مشاهده شده را ثبت می‌کنند بلکه فقدان مشکلات را هم گزارش می‌کنند. این شیوه‌ای است برای اینکه نشان دهد آنها تمام مسائل ممکن را بررسی می‌کنند.

۲- از دست دادن موقت هوشیاری که در جریان آن شخص از پا نمی‌افتد ولی نگاهش خیره می‌شود و پاسخ کسی را نمی‌دهد. این حالت عموماً نوع کم خطر صرع است.
پزشکان اصطلاحات «صرع کوچک» یا «صرع خاموش» را نیز به کار می‌برند.

accès

حمله، عارضه

شیوع ناگهانی یا بازگشت یک بیماری

■ **accès de fièvre:**

شیوع ناگهانی تب

■ **accès de folie:**

بحران بوجود آمدن جنون

accident

عارضه

مشکل غیرمنتظره‌ای که ناگهان در یک بیماری ایجاد می‌شود. این مشکل می‌تواند در آغاز یا در حین بیماری اتفاق بیفتد (ثانوی).

■ **accident vasculaire cérébral:**

سکته مغزی

اختلال ناگهانی که باعث انسداد یا خونریزی در یک شریان مغزی می‌شود.

عملکرد مغزی است که وابسته به عملکرد شریان‌ها است که به طور مثال انسداد این شریان‌ها منجر به اختلال در بینایی، در صحبت

کردن، فلج عضوی از بدن یا نیمی از بدن می‌شود. اگر شریان به سرعت درمان شود انسداد موقتی است وگرنه می‌تواند قطعی و حتمی شود. دلایل این پدیده متعدد هستند از جمله فشار خون بالا، مرض قند و افزایش چربی خون و غیره.

▪ **accident ischémique (cerebral) transitoire:**

عارضه مغزی موقت
مشکل عروقی مغزی که کمتر از ۲۴ ساعت طول بکشد.

accolement

مجاورت

نزدیکی معمول بین دو عضو که به نظر می‌رسد به هم چسبیده باشند.
به طور مثال قلب و ریه که فقط توسط یک غشا از هم جدا هستند. دو عضو مجاور می‌توانند روی یکدیگر بلغزند که در صورت چسبندگی این اتفاق نمی‌افتد.

accommodation

تطابق دید

تغییر خود به خودی چشم که امکان مشاهده واضح اشیاء را به ما می‌دهد.
این تطابق در اثر برخی بیماری‌ها به هم می‌خورد مثل مصرف الکل یا بعضی داروها و با بالا رفتن سن از بین می‌رود (پیرچشم دوربین)
مثال: این دارو باعث اختلال در تطابق دید می‌شود.

accouchement

زایمان

تولد، خروج از شکم مادر

▪ **accouchement spontané:**

زایمان خود به خودی
تولد بچه بدون دخالت پزشک یا ماما

accoucher

زاییدن

۱- کمک کردن یک زن برای به دنیا آوردن بچه اش
۲- کمک کردن پزشک یا ماما به یک زن برای به دنیا آوردن بچه اش

accoutumance

اعتیاد

عادت کردن به مصرف یک دارو یا ماده مخدر و یا مجبور شدن به افزودن میزان آن برای داشتن همان اثر
مثال: اثر داروهای خواب آور اعتیاد دارویی به همراه می‌آورد.

accoutumer à (s')

اعتیاد داشتن

اعتیاد پیدا کردن به یک دارو یا ماده مخدر و مجبور شدن به افزایش میزان دارو برای داشتن همان اثر روی فرد معتاد

accumulation

تجمع

افزایش غیرطبیعی یک ماده داخل قسمتی از بدن
مثال: تجمع چربی در کبد

ACE

(مخفف آنتی ژن کارسینو جنینی)

→ **antigène**

acetabulum**حفره استابولوم**

کاسه استخوان کفل که سر استخوان ران در آن مفصل شده است.

استابولوم شکل نیم کره‌ای دارد و در سر استخوان ران است و مانند یک مهره که دقیقاً جفت شده و جا افتاده است.

پزشکان بهتر است این کلمه را به جای کلمه «کوتیل» به کار ببرند (لغت شناسی تشریح)

achalasia**انسداد**

انسداد غیرطبیعی سوراخ قسمتی از لوله گوارشی

■ achalasia de l'œsophage:

انسداد مری

انسداد غیرطبیعی قاعده مری

■ achalasia du côlon

انسداد انتهای روده بزرگ

انسداد غیرطبیعی آخرین قسمت روده بزرگ
بیماری نسبتاً نادری است که باعث یبوست می‌شود.

acharnement**طاقت فرسا****■ acharnement thérapeutique:**

درمان طاقت فرسا

دنبال کردن درمان‌های خیلی دردناک و سخت حتی اگر معالجه بیماری را تضمین نکند.

achondroplasia**آکندروپلازی**

بیماری مربوط به رشد و نمو استخوان‌ها

این بیماری از دوران بچگی شروع می‌شود. دست‌ها و پاها بلند نمی‌شوند ولی سر به طور طبیعی بزرگ می‌شود. در سن بزرگسالی بیمار اندام‌های کوچک ولی سر با اندازه طبیعی دارند.

**→ nanisme
acide urique → urique****acidose****اسیدوز****افزایش غیرطبیعی اسیدپته خون**

خون به طور طبیعی اسیدپته کمی دارد. این اسیدپته تغییر نمی‌کند مگر در صورت بیماری. بسیار خطرناک است که باعث از دست دادن هوشیاری و گاهی منجر به مرگ می‌شود.
مثال: اسیدوز در اثر مصرف زیاد آسپرین

بوجود آمده

مثال: توقف تنفس منجر به اسیدوز می‌شود.

acidocétose**اسیدوستوز**

بیماری که به علت افزایش اسیدپته خون به وجود می‌آید و باعث بوجود آمدن استن می‌شود.

این بیماری عموماً مشکلی به علت مرض قند حاد است.

به علت افزایش منابع استن عملکرد عضو مختل شده و باعث افزایش اسیدپته خون می‌شود.

acné**آکنه، جوش****■ acné juvénile:**

جوش غرور جوانی

بیماری پوستی که در دوران جوانی ایجاد می‌شود. منافذی در پوست که به وسیله ترشحات زیاد مسدود شده اند و باعث بروز جوشهای کوچک قرمز رنگی می‌شوند که یک نقطه سیاه در وسطشان است.

→ comédon

■ acne rosacée

آکنه گل سرخی

بیماری پوستی که به تورم مجرای عروقی مربوط می‌شود و در زیر پوست نمایان می‌شود. برخلاف چیزی که از اسمش پیدا است این بیماری هیچ نقطه مشترکی با جوش غرور جوانی ندارد.

acouphène

صدای غیرطبیعی

صدای غیرطبیعی (وز وز گوش، صوت و صدای زنگ و غیره) که وجود ندارد ولی شخص آن را می‌شنود.

مثال: صداهای خیالی که وقتی شخص موزیک گوش می‌کند کاهش پیدا می‌کنند.

ACR

(مخفف کالج آمریکایی رادیولوژی)

نظام طبقه‌بندی تصاویر بدست آمده هنگام ماموگرافی

ACR0: طبقه‌بندی "انتظار" در انتظار اعلام نظر دوم

ACR1: ماموگرافی طبیعی

ACR2: ماموگرافی غیرطبیعی ولی بدون اهمیت که نیازی به پیگیری و آزمایشات تکمیلی ندارد.

ACR3: مشکلات غیرطبیعی خوش خیم در ماموگرافی که برای آن مراقبت کوتاه مدت توصیه می‌شود.

ACR4: ناهنجاری که لازم است نمونه برداری کوچکی برای انجام آزمایش انجام شود.

ACR5: احتمال قوی سرطان

acro-

انتها

از ریشه یونانی akros (در انتها) است که در کلمات ترکیبی یافت می‌شود.

acrocyanose

انتهای کیبود

کیبود شدن انتهایها (دست‌ها، پاها، گوشها، بینی و غیره). یک حالت طبیعی است که در اثر سرما به وجود می‌آید. نشانه بیماری است که بدون علت مشخصی به وجود می‌آید.

acromégalie

آکرومگالی

بیماری که به علت ترشح زیاد هورمون رشد است. وقتی ترشح زیاد هورمون در دوران بچگی اتفاق بیفتد باعث افزایش شدید رشد می‌شود، در مقابل در دوران بزرگسالی منجر به افزایش طول بینی، گوش‌ها و زبان می‌شود.

→ gigantisme

acromial, e, aux

زائده استخوان کتفی

مربوط به زائده قسمتی از استخوان کتف

acromio -

قلت الكتف

از ریشه acromion (قلت الكتف) است که در کلمات ترکیبی یافت می‌شود؛ می‌آید.

acromion**قلت الكتف**

قسمتی از استخوان کتف که باعث اتصال بازو به سینه می‌شود.

acroparesthésie**حساسیت غیرعادی انتهاها**

حس دردناک موزمور شدن در ناحیه انگشتان. این حالت در اثر فشار به یک عصب یا یک شریان بوجود می‌آید. این وضعیت زمانی پیش می‌آید که به مدت طولانی پاها را روی هم انداخته باشند یا سر را روی دست تکیه داده و به خواب رفته باشند. در این حالت وقتی که تغییر وضعیت داده شود این حس از بین می‌رود. این حالت هم چنین در اثر بیماری‌هایی مثل تومور یا روماتیسم که فشار به ناحیه‌ای وارد می‌شود به وجود می‌آید.

acte**عمل****■ acte medical:****عمل درمانی**

هرگونه عمل (معاینه، درمان، عمل، گزارش و غیره) که باید توسط پزشک یا با مسئولیت او انجام شود.

این اصطلاحی است که بیشتر معنای اداری و قضایی دارد. مجموعه اعمال پزشکی حیطه کار پزشکان عمومی و متخصص را تشکیل می‌دهد.

مثلاً تزریق خون باید مستقیماً توسط پزشک یا در حضور و تحت مسئولیت او انجام شود. پایگاه رسمی وجود دارد به نام مرکز اسناد پزشکی یا "CCAM".

■ passage à l'acte:**اقدام**

اقدام معمولاً خشونت‌آمیز و تعجب‌برانگیز. شخص به طرزی عمل می‌کند که انگار نمی‌خواهد منطقی باشد به نحوی که عمل جای اندیشه را می‌گیرد و اندیشیدن این افراد یا دشوار می‌شود یا دردناک. مثلاً خودکشی نزد افراد افسرده اغلب به عنوان این گونه اقدام‌ها تلقی می‌شود.

actif, - ive**فعال، عامل**

- ۱- حرکت ارادی و بدون کمک
مثال: حرکت ارادی دست
- ۲- بیماری که بروز می‌کند و گسترش پیدا می‌کند. بعضی بیماری‌ها مثل سل می‌توانند بدون آنکه بروز پیدا کنند در بدن وجود داشته باشند. (دوره نهفتگی)
- سل فعال، سلی است که نشانه‌های اولیه آن ظاهر شده باشد.

acuité**حدت**

- ۱- یک بیماری با شدت
- ۲- حساسیت بینایی، شنوایی و لامسه
مثال: او بینایی و شنوایی خوبی دارد.

addiction**اعتیاد**

(عادت به یک دارو یا مخدر) نیاز بیمارگونه
برای مصرف یک دارو که مرتب بیشتر می شود
یا احتیاج بیمارگونه به یک فعالیت.
این حالتی است که شخص عملکردهای
بیمارگونه دارد.
مثلاً عادت به قمار کردن یا بازی های
کامپیوتری یا خرید کردن زیاد و غیره.

→ **alcoolo – dépendence, dépen –
dance, pharmacodépendance,
toxicomanie**

addictologie

اعتیاد شناسی

مطالعه نیاز بیمارگونه به استفاده از یک ماده یا
تمرین کردن یک کار.

این علم شاخه های پزشکی را که از قدیم الایام
وجود داشته دربرمی گیرد (مانند الکل شناسی،
دخانیات شناسی) و مطالعه بسیار جدید همه
گونه فعالیت های بی رویه (مانند قماربازی های
کامپیوتری، خرید و غیره)

addictologue

اعتیاد شناس

متخصص پدیده های اعتیاد آور

adduction

عمل نزدیک کردن

نزدیک کردن یک دست و یا یک پا به طرف
مرکز بدن.

در جریان معاینه مفصل پزشک از بیمار
می خواهد که دست یا پایش را نزدیک کند
(عمل نزدیک کردن فعال) سپس پزشک این
کار را روی بیمار انجام می دهد (عمل نزدیک
کردن غیرفعال) و سپس پزشک سعی می کند

یک مقداری این حرکت را شدت بخشد (عمل
نزدیک کردن قدرتی).
این معاینات به پزشک امکان تشخیص
مشکلات احتمالی که نیاز به درمان دارند را
می دهد.

adén(o)-

غده

از ریشه یونانی adên (غده) است که در
کلمات ترکیبی یافت می شود.

adénoïde

غده ای

که مربوط به غدد و اندام های هم خانواده آن
می شود.

→végétations

adénocarcinome

آدنوکارسینوم

شکلی شایع از سرطان است که تقریباً می تواند
تمام اعضای بدن را مبتلا کند.
وخامت آن بستگی به عضوی که مبتلا شده
است دارد. آدنوکارسینوم ریه دارای شدت
زیادی است.
فرد مبتلا به آدنوکارسینوم پروستات می تواند تا
۲۰ سال بعد از پیدایش آن در بدنش زنده
بماند.

adénofibrome

آدنوفیبروم

شکلی از غده است که اهمیت چندانی ندارد و
معمولاً پستان را مبتلا می کند.
سرطان نیست.

adénoïdectomie

برداشتن غده
جراحی که شامل برداشتن قسمت‌های نمو
یافته از آدنوئید است.

→ végétations

adénomateux, -euse

غده شبیه آدنوم

adénome

آدنوم

زائده بی خطر از یک غده

adénopathie

بیماری آدنوم

۱- بیماری غدد لنفاوی (گانگلیون‌ها)

نام عمومی تمام بیماری‌های غدد لنفاوی
(گانگلیونی)

۲- غده لنفاوی بیمار که متورم می‌شود.

یک غده لنفاوی (گانگلیون) سالم و طبیعی نه
دیده می‌شود و نه لمس می‌شود. به محض
اینکه غده لنفاوی مبتلا بشود ورم می‌کند و
حالت یک گلوله کوچک زیر پوست لمس
می‌شود. در رادیوگرافی غدد لنفاوی مبتلا مثل
لکه‌های کوچک به نظر می‌رسند.

adhérence

جوش خوردگی

جوش خوردگی غیرطبیعی دو قسمت از بدن

■ adhérence préputiale:

جوش خوردگی غیرطبیعی پوست قسمت
انتهایی آلت تناسلی پسرچه.

ad hoc

مناسب، سازگار

(درمان - راه حل) سازگار

adipeux, -euse

چربی دار

■ tissu adipeux:

بافت چربی

تجمع چربی در سطح وسیعی زیر پوست
به طور معمول نباید بیش از ۲۷٪ از وزن بدن
را تشکیل دهد.

adiposité

چربی آوری

زیاد بودن چربی در بدن
عامل اصلی زیاد شدن وزن و چربی آوری
است. فقط نزد ورزشکاران حرفه‌ای افزایش
وزن در اثر افزایش توده عضلانی بوجود
می‌آید.

adjuvant, e

درمان کمکی

کسی یا چیزی که اثر درمان اصلی را بیشتر و
کامل می‌کند.
یک درمان کمکی زمانی که به تنهایی انجام
شود تأثیری ندارد زمانی مفید است که همراه با
درمان اصلی باشد.

درمان اصلی است که فعالیت آن را تقویت
می‌کند.

مثال: ورزش یک درمان کمکی برای بیماری
قند است.

aérateur

حفره جریان هوا

■ aérateur trans-tympanique:

جریان هوا در پرده صماخ

یک حفره کوچک که در جراحی‌ها استفاده می‌شود و باعث جریان هوا در مسیر پرده صماخ می‌شود.

aéro-

هوا

از ریشه یونانی aeros (هوا) است که در کلمات ترکیبی یافت می‌شود.

aéroclic

وجود هوای بسیار زیاد در روده بزرگ

وجود هوای بسیار زیاد در روده بزرگ را فقط با رادیوگرافی قابل مشاهده است و چیزی که ما از خارج می‌بینیم فقط تورم ساده شکم است.

aéroiléie

وجود هوا در روده کوچک

وجود هوای بسیار زیاد در روده باریک که فقط با رادیوگرافی قابل مشاهده است و چیزی که ما از خارج می‌بینیم فقط تورم ساده شکم است.

aérophagie

بلع هوا

ورود غیر عادی هوا به درون معده هنگام صرف غذا یا جویدن آدامس توسط مواد غذایی محتوی هوای زیاد یا بیماری‌هایی در بینی حلق یا مری ایجاد می‌شود و منجر به نفخ شکم می‌شود.

aérosol

بخور

۱- داروی بخور در هوای تنفسی بیمار یکی از راه‌های درمان بیماری‌های بینی، حلق و ریه است. داروها خیلی سریع تأثیر می‌کنند

چون خیلی به سرعت بر روی عضو مبتلا می‌نشیند.

۲- وسیله‌ای که امکان پخش شدن داروهایی داخل هوا می‌شود.

■ aerosol doseur:

اسپری، افشانه

بطری حاوی داروی تحت فشاری است با میزان مشخص از داروی بخور شکل معمول ارائه بیشتر داروهای مربوط به آسم است.

affection

مرض

بیماری یا مجموعه علائم نارسایی یا عملکرد بد یک یا چند عضو.

مثال: آنژین یک بیماری در گلو است.

âge

سن

■ âge mental:

سن هوشی

سنی که براساس آزمایش‌های هوشی بدون توجه به سن واقعی برآورد می‌شود. معمولاً برای مقایسه کردن سن هوشی یک کودک با سن واقعی او استفاده می‌شود، بنابراین به شخص بالغی که خواندن یاد نمی‌گیرد گفته می‌شود که سن هوشی او ۵ سال است.

■ âge osseux:

سن استخوانی

سن یک کودک که براساس بررسی رشد بعضی استخوان‌ها محاسبه می‌شود، برای تشخیص این که یک کودک به طور طبیعی رشد می‌کند یا نه. سن استخوانی و سن واقعی را با هم مقایسه

می‌کنند و ارقام هرگز دقیقاً یکی نیستند اما اگر تفاوت فاحش باشد این علامت بیماری است.

agglutinines

نوعی آنتی بادی در سرم خون

■ agglutinines irrégulières:

مجموعه مواد نادری که در سازگاری گروه‌های خونی نقش دارند.

قبل از تزریق خون ما باید آنها را برای پیشگیری از ناسازگاری خونی در مادر و بچه مورد بررسی قرار دهیم.

agoraphobie

ترس از عبور در فضاهای باز کم جمعیت

این علامت دلواپسی یا اضطراب شدید است و می‌تواند به شکل ترس از جمعیت هم نمود پیدا کند.

agrafe

وسیله‌ای که در جراحی برای نزدیک کردن دو لبه زخم یا منفذ پوست استفاده می‌شود.

agranulocytose

آگرانولوسیتوز (کاهش گلبول‌های سفید گرانولوسیت)

کاهش غیرعادی بعضی از گویچه‌های سفید خون (چند هسته‌ای و خنثی) که معمولاً به عضو امکان دفاع از خود در تعامل عفونت‌ها را می‌دهند.

می‌تواند در اثر عفونت‌ها، مسمومیت‌ها، در معرض اشعه قرار گرفتن اتفاق بیفتد (تصادف یا پرتو درمانی)

AIA

(مخفف حمله حاد ایسکمیک مغزی)

→accident

aigu, uë

حاد

بیماری است که به طور ناگهانی ظاهر می‌شود و به سرعت تحول می‌یابد.

پزشکان این اصطلاح را به عنوان بیماری حاد که خیلی ناگهانی ظاهر می‌شود و مدت زمان بیماری کوتاه است به کار می‌برند و برعکس بیماری مزمن شدت کمتری دارد. اما طول مدت بیماری طولانی است حتی می‌تواند در تمام طول عمر شخص باشد.

aine

کشاله ران

قسمتی از بدن که بین شکم و ران است.

AINS

(مخفف ضد التهاب غیر کورتونی)

→anti-inflammatoire

aire

(در تشریح) قسمتی از بدن با محل مشخص

■aire pulmonaire:

محل عکسبرداری ریه

→ganglionnaire

AIT

(مخفف حمله مغزی زودگذر)

→accident

ALAT

(مخفف آلانین آمینوترانس فراز)

→transaminase

albumine

آلبومین

عنصری از خانواده پروتئین‌ها که عموماً در داخل خون وجود دارد.

این ماده در سفیده تخم مرغ به میزان بسیار زیاد وجود دارد. در شیر نیز یافت می‌شود. در خون سرچشمه پروتئین‌ها برای تمام سلول‌های بدن است.

albuminémie

میزان آلبومین در خون

میزان طبیعی آلبومین داخل خون است. اگر این میزان آلبومین داخل خون کمتر از حد طبیعی باشد (هیپو آلبومینی) و اگر میزان آن زیاد و در حد نهایی باشد (هیپر آلبومینی) است هر دو علامت بیماری است.

albuminurie

وجود آلبومین در ادرار

وجود غیرطبیعی آلبومین در ادرار است. این نشانه بیماری کلیوی است.

alcalose

آلکالوز

کاهش غیرطبیعی اسیدیته خون در خون به طور طبیعی مقدار کمی اسید وجود دارد. این اسیدیته خون مگر در صورت بیماری کم نمی‌شود وقتی اسیدیته خون خیلی زیاد کاهش پیدا کند باعث انقباض عضلات کوچک صورت و دست‌ها می‌شود. این حالت معمولاً نتیجه تنفس بسیار سریع (هایپرونتیلیسیون) و یا استفراغ شدید اتفاق می‌افتد.

alcoolémie

میزان الکل در خون

نتیجه مصرف نوشابه‌های حاوی الکل است حتی به میزان کم. در فرانسه اگر میزان الکل در خون مساوی یا بیشتر از ۰/۵ گرم باشد رانندگی با وسیله نقلیه ممنوع است.

alcoolisé, e

نوشابه الکلی

- ۱- نوشابه حاوی الکل
مثال: آبجو از شراب الکل کمتری دارد.
- ۲- (شخص) الکل داخل خون کسی که الکل می‌نوشد وجود دارد.

alcoolisme

الکلی

بیماری افرادی که نوشابه‌های الکلی در حد بسیار زیاد می‌نوشند و نمی‌توانند آن را ترک کنند.

الکل حتی در میزان بسیار کم برای موجود زنده مضر است.

ما می‌توانیم مرزی از آن که می‌تواند برای سلامتی مضر باشد را بسنجیم. طبق نظر سازمان بهداشت جهانی در آقایان مصرف بیش از ۲۸ لیوان در هفته و در خانم‌ها مصرف بیش از ۱۴ لیوان در هفته افراط محسوب می‌شود. هم چنین یک لیوان آبجو، یک لیوان شراب و یک لیوان کنیاک دقیقاً شامل مقدار مساوی از الکل هستند.

اندازه لیوان‌های مورد استفاده متناسب با درصد الکل متغیر است.

alcoolo-dépendance

اعتیاد به الکل

رفتار تحت تأثیر استفاده دائم و بیش از حد الکل است که نیاز به مصرف مداوم و رو به تزاید آن را به دنبال می‌آورد.

alcoologie

الکل شناسی

مطالعه درباره الکل و اثرات آن روی بدن انسان، بیماری‌هایی که در اثر الکل به وجود می‌آید و راه‌های درمان آن بیماری‌ها

alcoologue

الکل شناس

متخصص الکل، اثرات آن روی بدن انسان و بیماری‌هایی که در اثر الکل به وجود می‌آید و راه‌های درمانی آن بیماری‌ها.

alg(o)-

درد

از ریشه یونانی algos (درد) است که در کلمات ترکیبی یافت می‌شود.

algie

درد

■ algie vasculaire de la face:

درد به علت عروق صورت

بیماری که موجب سردردهای شدید می‌شود. دردهایی که از اطراف یک چشم شروع می‌شود و می‌تواند از ۱۵ دقیقه تا سه ساعت طول بکشد؛ در مدت چند هفته در روز چند بار تکرار می‌شود. بعد از این دوره‌ها هیچ علامت دیگری وجود ندارد. علت آن مشخص نشده است.

algique

دردناک -

درد

- ۱- بیماری که درد می‌کشد.
- مثال: بیماری است که خیلی درد دارد.
- ۲- نقطه‌ای در بدن که خیلی دردناک است.
- شکم او دردناک است.

algodystrophie,
algoneurodystrophie

دیسترونی عصب سمپاتیک

■ algodystrophie sympathique:

دیسترونی سمپاتیکی

بیماری است که محرک درد است و باعث دشواری حرکت در مفاصل مهم می‌شود. این بیماری می‌تواند در شانه‌ها، دستها، زانوها و پاها به وجود بیاید.

aliter(s')

بستری شدن

بستری شدن به علت بیماری
مثال: او از دو هفته پیش بستری شده است.

alithiasique

عدم وجود سنگ

عدم وجود سنگ در یک عضو

vésicule alithiasique:

در رادیولوژی و اکوگرافی متخصص رادیولوژی هیچ سنگی در مجرای صفراوی نمی‌بیند.

allégation

اظهارات بیمار برای پزشک

برای پزشک تفاوت بین آن چیزی است که پزشک مشاهده می‌کند مانند (علامت زخم) و آنچه که بیمار می‌گوید و قابل مشاهده نیست.

براساس اظهارات آقای X ایشان یک ضربه به سرشان وارد شده است.

allergene

حساسیت زا

ماده‌ای که باعث بروز حساسیت می‌شود.
به طور مثال گرده گل حساسیت زا است که باعث آبریزش بینی می‌شود.

allergénique

حساسیت زا

ماده‌ای که حساسیت را تحریک می‌کند.
مثال: موهای گربه حساسیت به وجود می‌آورند.

allergie

حساسیت

واکنش شدیدی که عضو به یک ماده.
می‌تواند به وسیله تماس با پوست، چشم‌ها، دهان یا بینی یا به وسیله تنفس، خوردن یا نیش گزندگان ایجاد شود. این گزش مسموم کننده نیست و خود ماده خطرناک نیست بلکه واکنشهای شدیدی که به دنبال دارد شدید است.

allergologie

حساسیت شناسی

مطالعه در مورد حساسیت و درمان آن

allergologique

حساسیت شناختی

مربوط به مطالعه و درمان حساسیت است -
مثال: پاسخ آزمایش حساسیت شناختی منفی است.

allergologue

حساسیت شناس

متخصص حساسیت و درمان‌های آن

alopécie

بی مویی

ریزش موقت موضعی یا کامل موها
می‌تواند در اثر عفونت یا مسمومیت یا درمان سرطان یا یک ضربه شدید روحی بوجود بیاید.

altération

تحلیل سلامتی

تغییر و یا بدتر شدن حال نسبت به وضعیت قبلی

altérer (§)

وخیم شدن

خراب شدن، بد شدن
مثال: تنفس وخیم شده
مثال: حافظه از بین رفته

alvéolaire

حفره دار

مربوط به حفره دندانی یا ریوی

■air alvéolaire:

هوای موجود در کیسه‌های هوایی ریه

alvéole

کیسه هوایی

■alvéole pulmonaire:

کیسه هوایی ریوی

کیسه هوایی واقع در ریه که توسط آن اکسیژن به خون می‌رسد.

■alvéole dentaire:

حفره دندانی

حفره کوچکی در استخوان فک که در آنجا دندان محکم می‌شود.

Alzheimer

آلزایمر

از اسم خاص روانپزشک آلمانی آلزایمر گرفته شده است (۱۸۶۴-۱۹۱۵)

maladie d'Alzheimer:

بیماری آلزایمر

بیماری مغزی است که در اثر تحلیل تدریجی و مرگ سلول‌های مغزی به وجود می‌آید. در ابتدا قسمت مربوط به حافظه، سپس قسمت مربوط به زبان و در نهایت قسمت مربوط به تکلم مبتلا می‌شود.

شخص مبتلا تغییر رفتار می‌دهد و رفته رفته زندگی عادی برایش دشوارتر می‌شود و در نهایت قادر به برخاستن از جا نیست. سپس از غذا خوردن می‌افتد لاغر و ضعیف می‌شود. در این هنگام اغلب در اثر یک عفونت مرگ او فرا می‌رسد.

ambivalence

خصوصیت رفتاری متضاد

خصوصیت رفتاری اشخاصی که در عین حال احساسات متضاد دارند (خوشحالی و غم، عشق و نفرت و غیره).

این پدیده می‌تواند به صورت گذرا و آرام در افراد سالم بوجود آید. وقتی که دائمی و شدید باشد علامت یک بیماری وخیم روانی است.

ambulatoire

سرپایی

۱- (عمل) که به بیمار اجازه خروج از بیمارستان در همان روز عمل را می‌دهد.

۲- (درمان در منزل) که به بیمار امکان می‌دهد که در منزل بماند و زندگی تقریباً عادی را دنبال کند.

مثال: شما به صورت سرپایی درمان خواهید شد.

améliorer

بهبود بخشیدن

(یک بیماری) با کاهش اثرات یک بیماری (یک بیمار) بهبود وضعیت عمومی بیمار مثال: بیماری قند با انسولین بهبود می‌یابد. مثال: بیمار با درمان بهبود می‌یابد.

aménorrhée

فقدان قاعدگی

در دختر بچه، خانم مسن یا یائسه طبیعی است. هم چنین منشاء تعدادی از بیماری‌ها مثل مرض قند یا نتیجه بعضی درمان‌هاست.

aménorrhée primaire:

آمنوره اولیه

بیماری در یک خانم جوان است که تا بحال عادت ماهیانه نداشته

amenorrhée secondaire:

آمنوره ثانویه

قطع عادت ماهیانه یک زن که عادت‌های ماهیانه منظم داشته است.

amibe

آمیب

انگلی که در آب‌های شیرین و گرم سرزمین‌های حاره زندگی می‌کند.

amibiase

آمیبیاز (بیماری ناشی از آمیب)

بیماری ناشی از یک آمیب خاص است.
بیماری است در کشورهای حاره‌ای که در اثر
مصرف آب یا غذاهای آلوده به وجود می‌آید.
این بیماری باعث اسهال و درد شکم می‌شود.
در گذشته قبل از کشف درمان مؤثر، باعث
اسهال‌های دائمی و سوراخ شدن روده می‌شده
است و می‌توانست به کبد نیز سرایت کند.

a minima

بسیار کوچک

مثال: یک شکستگی بسیار کوچک، مو (ترک)

amnésie

فراموشی

از دست دادن حافظه
می‌تواند جزئی، کلی، موقتی یا دائمی باشد. در
جریان بیماری‌های متعدد مغزی یا بعد از یک
ضربه جسمی یا روحی به وجود می‌آید.

amnésique

فرد دچار فراموشی

کسی که حافظه اش را از دست داده

■ictus amnésique:

از دست رفتن ناگهانی و معمولاً موقتی حافظه

amniocentèse

آمینو ستنز

عمل جراحی کوچکی که مبتنی است بر ایجاد
یک سوراخ کوچک در شکم مادر تا کیسه
حاوی جنین (کیسه آمنیوتیک) برای معاینات،
آزمایشات یا درمان‌ها روی بچه استفاده
می‌شود.

amnios

مشمیه جنین

کیسه‌ای که جنین داخل آن درون شکم مادرش
است.

amnioscopie

آمینوسکوپی

معاینه بچه درون شکم مادرش از ورای
کیسه‌ای که درون آن است.
آمینوسکوپی با دستگاه فیبروسکوپ انجام
می‌شود.

amniotique

مربوط به آمینوز

■cavité amniotique:

کیسه آمنیوتیک

کیسه‌ای که درون شکم مادر جنین را دربردارد
(آمینوز)

■liquide amniotique:

مایع آمنیوتیک

مایع تشکیل دهنده داخل کیسه‌ای که دوردور
بچه را فراگرفته.

amont

نقطه بالای عضو در حال خونریزی

(در یک رگ) نقطه بالای عضو در حال
خونریزی.

به این ترتیب وقتی که یک جراح می‌خواهد
جلوی خونریزی را بگیرد در قسمت بالای
نقطه خونریزی اقدام به بستن آن قسمت
می‌کند.

ampliation

افزایش

■ampliation thoracique:

افزایش سینه ای

افزایش حجم سینه در هنگام تنفس

اصطلاح «افزایش شکمی» که دیگر رواج ندارد.

amputation

قطع عضو

عمل جراحی که عبارتست از برداشتن بخشی یا تمام یک عضو در اعضا اصلی مثل زبان یا سینه نیز استفاده می‌شود. بعضی اوقات از پیامدهای مستقیم یک تصادف ناشی می‌شود.

amygdale

لوزه

عضوی بادامی شکل

■amygdale (palatine):

لوزه، کام

عضوی به شکل بادام که در انتهای گلو قرار گرفته است. در بدن دو لوزه وجود دارد که وظیفه دفاع از انسان را در برابر میکروب‌هایی که از راه بینی و دهان وارد می‌شوند برعهده دارند. قاعدتاً پزشکان باید از اصطلاح "tonsille palatine" استفاده کنند ولی این اصطلاح زیاد رایج نیست.

amygdalectomie

برداشتن لوزه‌ها

جراحی که شامل برداشتن لوزه‌ها است. در گذشته این عمل بسیار رواج داشت ولی در حال حاضر تنها در موارد عفونت‌های حاد که در مقابل آنتی بیوتیک‌ها مقاوم هستند استفاده می‌شود.

amylose

آمیروز

بیماری که از اعضای بدن مواد نشاسته‌ای تراوش می‌کند

بیماری که به وسیله تجمع تدریجی نوعی از نشاسته در اعضای مختلف بدن بوجود آمده. بیماری وخیمی است که اغلب کشنده است. بعضی اوقات در طول بیماری دیگری (مثل سل و سرطان) ایجاد می‌شود.

amyotrophie

کاهش اندازه و نیروی یک عضله

این بیماری در اثر عدم تحرک طولانی (مثل گچ گرفتگی یا بستری بودن به مدت طولانی) یا در اثر یک بیماری عصبی یا عضلانی به وجود می‌آید.

anabolisant

هورمون پروتئین ساز

هورمونی که به تولید پروتئین کمک می‌کند بنابراین باعث حجیم شدن عضلات می‌شود. این هورمون به صورت طبیعی داخل بدن است. ما از آن برای درمان بیماری‌های مهمی که باعث لاغری می‌شوند استفاده می‌کنیم. در استفاده‌های غیرپزشکی، بوسیله ورزشکاران برای دوپینگ کردن استفاده می‌شود که برای سلامتی خطرناک است و از نظر قانونی ممنوع است.

anal, e, aux

مقعدی

■sphincter anal:

عضله مدور مقعدی

عضله‌ای که به مقعد امکان بسته شدن می‌دهد.

analgésique

علم تشریح آسیب شناسی

ادغامی از تشریح آسیب شناختی است.

androgène

آندروژن

ماده‌ای که باعث پرورش و حجم دهی عضلات می‌شود.

■hormones androgènes:

هورمون‌های آندروژن

مواد طبیعی هستند که برای ظاهر کردن خصوصیات جنسی و حجم دهی عضلات در مردان ضروری هستند.

میزان ناکافی یا بیش از حد آن باعث ایجاد بیماری مثل ناباروری یا پرمویی (هیرسوتیسم) می‌شود.

این مواد به میزان بسیار کم در زنان وجود دارد.

androgyne

آندروژین، دو جنسی

فردی که خصوصیات جنسی متضاد دارد و به این علت اعضای ژنیتال خارجی اش به صورت معیوب ظاهر می‌کند.

andropause

معادل یائسگی در مردان

مجموعه نمودها بعد از ۵۰ سالگی به علت کاهش بعضی از هورمون‌ها در برخی از مردان روی می‌دهد.

کلمه‌ای است که معادل یائسگی برای مردان است. اما این اختلالات نسبت به زنان کم اهمیت تر است.

anéchogène

غیرقابل تشخیص در اکوگرافی

مسکن

دارویی است که احساس درد را کاهش می‌دهد.

anapath

نتیجه آزمایشات

(مخفف معاینه، تشریح بیماری شناسی)

مثال: من منتظر آزمایشات بیمارم هستم.

پزشکان در بین خودشان این مخفف را بکار می‌برند.

anastomose

تلاقی دو رگ

ایجاد مجراهای جدید به صورت طبیعی یا در اثر عمل جراحی.

عموماً عمل جراحی است که در شریان‌ها یا لوله گوارشی (هنگامی که می‌خواهیم قسمتی از آن را برداریم) اتفاق می‌افتد. هم چنین می‌تواند مربوط به اعصاب یا اعضای به شکل لوله باشد (راه‌های ادراری یا صفراوی)

anatomie

کالبد شناسی، تشریح

مطالعه قسمت‌های مختلف بدن، ساختمان آنها و نیز مطالعه روابط مختلف بین اعضای بدن

■anatomie pathologique:

تشریح آسیب شناختی

مطالعه ناهنجاری‌های بدن به دلیل بیماری‌ها درحین یک معاینه یا یک عمل جراحی تشریح آسیب شناسی یک عضو از آن نمونه برداری می‌شود. (نمونه برداری، فیبروسکوپی، فروتیز و غیره).

anatomopathologie

■zone anéchogène:

منطقه غیر قابل تشخیص در اکوگرافی
پزشکان برای یافتن ناهنجاری‌ها از اکوگرافی
استفاده می‌کنند.

قسمت هایی که برای اکوگرافی شفاف است و
چیزی دیده نمی‌شود.

anémie

کم خونی

کاهش تعداد گلبول‌های قرمز متناسب با اندازه،
رنگ آنها (که به وسیله هموگلوبین ایجاد
می‌شود) و میزان آهنی که در خون وجود دارد،
کم خونی انواع مختلف دارد.

■anémie hypochrome:

کاهش تعداد گلبول‌های قرمز که به واسطه
کاهش هموگلوبین بسیار کم رنگ و رنگ
پریده هستند.
معمولاً در اثر خونریزی به وجود می‌آید.

■anémie hyposidérémique:

کاهش تعداد گلبول‌های قرمز همراه با از دست
دان آهن خون
حالتی از کم خونی‌های هیپوکروم است؛
پزشکان آنها را کم خونی هیپوکروم و هیپوزی
درمیک می‌نامند.

→macrocytaire

anesthésie

بی‌هوشی

۱- (صحبت از یک جراحی است) حذف
مصنوعی حساسیت با مواد مختلف

■anesthésie générale:

بی‌هوشی عمومی

از بین بردن حساسیت تمام قسمت‌های بدن
همراه با خواب عمیق قبل از یک عمل جراحی
مهم

→local

۲- (صحبت از یک بیماری است) از دست
دادن حساسیت قستی از بدن بر اثر له شدگی،
بریدگی عصب نیز ایجاد می‌شود.

anesthésique

داروی بی‌هوشی

دارویی که حساسیت را از بین می‌برد.
این داروها می‌توانند به وسیله یک تماس ساده
(پماد، محلول، پچ)، به وسیله تزریق (داخل
عضلانی، داخل وریدی) یا به وسیله استنشاق
(بخار، گاز) عمل کنند.

anesthésiste

بی‌هوش

کسی که بی‌هوشی گرفته است.

■anesthésiste-réanimateur:

متخصص بی‌هوشی

متخصص بی‌هوشی و فنونی که پس از جراحی
یا در پی یک تصادف امکان می‌دهد که علائم
حیاتی یک بیمار حفظ شود.

anévrisme, anévrysme

آنوریسم

افزایش غیرطبیعی قطر یک قسمت از شریان که
شکونده و ناپایدار می‌شود.
در اثر کپولت سن و فشار خون بالا ایجاد
می‌شود.

■rupture d'anévrysme:

پارگی آنوریسم

یک حادثه وخیم و اغلب کشنده است چون توأم با یک خونریزی شدید داخلی است و تنها با انجام یک عمل جراحی فوری می‌توان از آن جلوگیری کرد.

angéiologie → angiologie

angine

ورم گلو - آنژین

التهاب گلو که یک احساس فشار در آن ایجاد می‌کند و با درد در هنگام بلع و تب همراه است.

به علت یک عفونت ایجاد می‌شود؛ انواع مختلفی از این بیماری وجود دارد که بسته به ظاهر و گستردگی و نوع میکروب آن متغیر است.

■ angine blanche:

آنژین عفونی

عفونت گلو که باعث ایجاد پوشش سفیدی روی آن می‌شود.

■ angin pharyngienne:

آنژین حلقی

عفونتی که به عقب و داخل گلو گسترش پیدا می‌کند.

■ angine virale:

آنژین ویروسی

عفونت گلو به علت ویروس

angine de poitrine

آنژین صدری

بیماری شریان‌های قلب که باعث درد شدیدی در قفسه سینه، آرواره و زیر بغل می‌شود.

به علت تنگی موقتی شریان‌های که خون حاوی اکسیژن را به قلب هدایت می‌کنند به

وجود می‌آید. برخلاف نامش هیچ ارتباطی به عفونت گلو ندارد

angineux, euse

۱- دردی که شبیه همان آنژین صدری است.

۲- شخصی که مبتلا به آنژین صدری است.

angio-

از ریشه یونانی angeion (مجرا، لوله) است که در کلمات ترکیبی یافت می‌شود.

angiocholécystite

آنژیوکولسیت

التهاب کیسه صفرا و مجاری که باعث جریان صفرا می‌شود.

به علت وجود سنگریزه‌هایی که دهانه مجاری صفراوی را مسدود می‌کنند به وجود می‌آید؛ این امر باعث عفونت می‌شود که بعضی اوقات مجبور به جراحی برای برداشتن این سنگریزه‌ها از مجاری صفراوی می‌شویم.

Angiocholite

آنژیوکولیت

التهاب مجاری است که به صفرا امکان خروج از کبد را می‌دهند.

به علت وجود سنگ ریزه‌هایی که مجاری را مسدود می‌کنند است. این امر باعث عفونت می‌شود که بعضی مواقع مجبور به جراحی برای برداشتن سنگریزه‌ها می‌شویم.

angiographie

آنژیوگرافی

عکسبرداری به وسیله اشعه رونتگن از رگ‌های خونی.

نیازمند یک آمادگی یعنی تزریق یک ماده حاجب که رادیوگرافی دقیقی به ما می‌دهد.

angiologie

رگ شناسی

مطالعه رگ‌ها (شریان‌ها، وریدها، عروق لنفاوی) که خون و لنف را منتقل می‌کنند. بیماری و راه‌های درمان آنها. پزشکان به اشتباه به استفاده از "angéiologie" ادامه می‌دهند.

angiome

آنژیوم - کلاف عروقی

بیماری نه چندان وخیم عروقی آنژیوم یک تورم بسیار کوچک عروق خونی است که یک لکه کمابیش بزرگ قرمز رنگ به وجود می‌آورد. معمولاً در زمان تولد ظاهر می‌شود. بیشتر از نظر زیبایی آزاردهنده است. هر چند که لیزر پیشرفت‌هایی در این زمینه حاصل کرده ولی درمان آن مشکل است. ما به صورت عامیانه به آن «لکه» می‌گوئیم

angiopathie

آنژیوپاتی - بیماری عروق

لفظ بسیار عمومی است که شامل تمام بیماری‌های شریانی، وریدی و عروق لنفاوی می‌شود.

angioplastie

ترمیم رگ‌های خونی

ترمیم شریان یا یک ورید است که در اثر یک بیماری یا جراحی تخریب شده باشد. جراحی است که به شریان‌ها یا ورید پاره شده امکان ترمیم شدن را می‌دهد. هم چنین شامل

باز کردن یا گشاد کردن رگ می‌شود که خون به سختی از آن عبور می‌کند.

angoisse

تشویش

بیماری جسمی یا روحی که با احساس فشردگی گلو و سینه همراه است.

angor

درد سینه

درد شدید ناحیه سینه به علت بیماری در شریان‌های قلبی. به علت تنگی موقتی در شریان‌هایی که خون حاوی اکسیژن لازم را به طرف قلب هدایت می‌کنند به وجود می‌آید. عموماً در حین فعالیت و یا به دنبال هیجان روی می‌دهد.

anite

التهاب مقعد

به علت التهاب یا عفونت به وجود می‌آید؛ مقعد قرمز می‌شود و احساس سوزش ایجاد می‌کند.

ankylose

جمود مفصل

دشواری جزئی یا شدید در حرکت یک مفصل مثال: بی حرکتی طولانی مدت دست منجر به جمود مفصل آرنج می‌شود.

annexectomie

ضمیمه برداری

جراحی که مربوط به برداشتن اعضای که با هم در ارتباط هستند می‌باشد (تخمدان - لوله‌های رحمی)